

احمد کسروی

	
احمد کسروی زاد روز ۸ مهر ۱۲۶۹ در گذشت ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ دلیل مرگ ترور در کاخ دادگستری تهران	احمد کسروی با عمامه تبریزی

آخوندها دسته ای در این کشور هستند، که مفت می خورند و تنها کاری که از دست شان بر می آید ایستادگی در برابر پیشرفت است.
آن ها نه بافنده اند، نه ریسنده اند، نه سازنده اند، نه کارنده اند، نه دوزنده اند، و نه می خرند و نه می فروشند.
در یک جمله هیچ کاره اند.
احمد کسروی



بازماندگان پیغمبر اسلام اگر هم نزد خدا گرامی بوده اند جدا از دیگران نبوده اند اگر بکسانی از آنان ستمی رفته چون دیگر ستمدیدگان بوده اند اینهمه بسرگذشت آنان پرداختن و بداستان هاشان ارج گزاردن بیمعنی است. داستان کربلا هرچه بوده یک داستان بوده. در جهان داستانهایی از آنگونه کم نبوده است. خونریزیهای چنگیزخان و تیمور لنگ در ایران دلگدازتر از آن میباشد. این گستاخی با خداست که بگویید خدا بازماندگان پیغمبر را جدا از دیگران گرفته و رفتار خود را دربارهی آنان دیگر گردانیده است



جعفر بن محمد

(امام ششم شیعیان و بنیانگذار مذهب شیعه جعفری)
اولین کسی بود که لفظ امام را ساخت،
و برای گرفتن «خمس» و «مال امام»
گفت که باید خلیفه از طرف خدا باشد
و از ترس نام خلیفه را به امام تغییر داد.

احمد کسروی / شیعی گری - ۱۳۲۲ خورشیدی



ما با آنها به نبرد برخاسته ایم، خود در میدان جنگیم و به جانفشانی بسیار نیاز داریم. ما باید از جان خود بگذریم، کسانی که با ما همگامند باید از سختی و گزند نهراسند



خمینی در مورد کسروی مینویسد: «همه دیدید کتابهای یک نفر تبریزی بی سر و پا که تمام آیین شماها را دستخوش ناسزا کرد و در مرکز تشیع به امام صادق و امام غایب روحی له الفدا آنهمه جسارتها کرد و هیچ کلمه از شما صادر نشد ... همکیشان دیندار ما، برادران پاک ما، دوستان پارسی زبان ما، جوانان غیرتمند ما و هموطنان آبرومند این اوراق ننگین این مظاهر جنایت، این شالوده های نفاق، این جرثومه های فساد، این دعوت های به زردشتی گری، این برگرداندن به مجوسیت، این ناسزاها به مقدسات مذهب را بخوانید و در صدد چاره جویی بر آیید. با یک جوشش ملی، با یک جنبش دینی، با یک غیرت ناموسی، با یک عصبیت وطنی، با یک اراده قوی با یک مشت آهنین باید تخم این ناپاکان بی آبرو را از زمین بر اندازید. اینها یادگارهای باستانی شما را به باد فنا میدهند. اینها ودیعه های خدایی را دستخوش هوی و هوس خود میکنند ... هان آبرومندان از جای برخیزید تا ددان بر شما چیره نشوند»



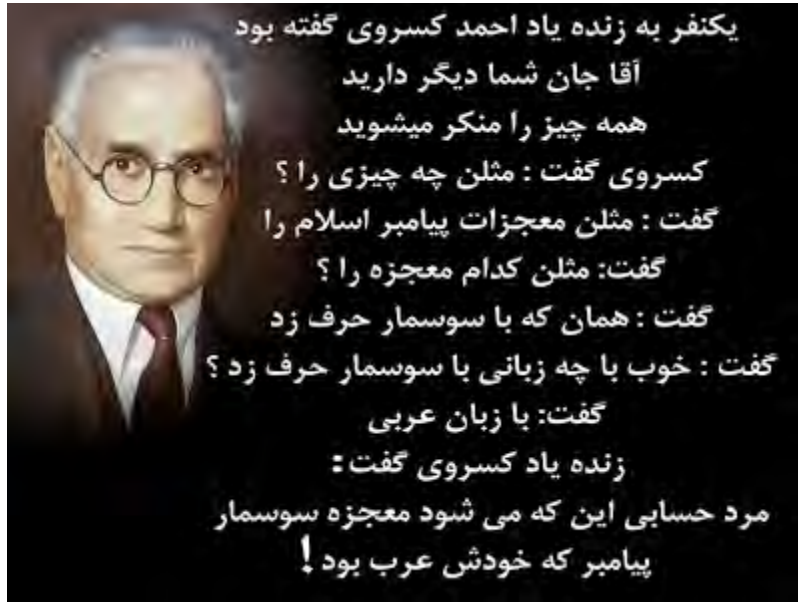
بدبخت ملتی که تاریخ خود را نداند، تیره بخت تر از آن ملتی که علاقمند به دانستن تاریخ خود نباشد و شوربخت تر از همه ملتی است که تاریخ خود را به ریشخند بگیرد
احمد کسروی



احمد کسروی در سالهای خدمت در دادگستری



احمد کسروی با سایر اعضای خانواده اش در سال
۱۳۱۸



از كتاب حاجي هاي انباردار چه ديني دارند
 نوشته احمد كسروي



تلگراف جامعه روحانیان فارس و درخواست آزادی متهمان
 قتل کسروی به مناسبت ۲۰م اسفند ۱۳۲۴، سالروز ترور
 احمد کسروی به دست جمعیت فدائیان اسلام
 احمد کسروی، مورخ و مدیر نشریه پرچم بود که با تأسیس
 گروهی با عنوان «باخمد آزادگان» و انتشار متونی علیه
 تشیع و میراث سنتی جامعه ایرانی، خشم مسلمانان را علیه
 خود برانگیخته بود.

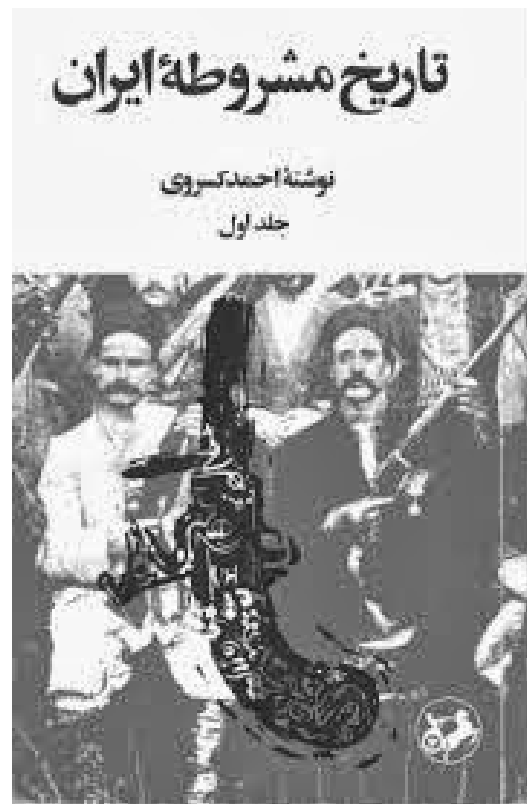
هر چند شهیدنواب صفوی تلاش‌های زیادی برای گفتگو و
 هدایت این فرد انجام داد، اما این تلاش‌ها نتیجه‌ای نداد و به
 همین دلیل، نواب صفوی در آب سردار با چاقو به وی حمله
 و از ناحیه کتف او را زخمی کرد. این موضوع، به زندانی
 شدن نواب صفوی انجامید، اما به علت شکایت نکردن
 کسروی از وی، آزاد شد. این ماجرا، بر تصمیم شهیدنواب
 صفوی بر حذف فیزیکی کسروی، اثری نداشت. او پس از
 صدور فتوای آخوند هانی چون مرحوم آیت‌الله بروجردی و
 آیت‌الله صدر مبنی بر مهدورالدم بودن کسروی، شرایط را
 برای از میان برداشتن کسروی به دست جمعیت فدائیان اسلام
 فراهم آورد. هرچند کسروی با شلیک گلوله به دست جواد

مظفری کشته شد، اما بنا به دلایلی، حسین امامی به عنوان قاتل وی دستگیر و زندانی شد. دستگیری
 این عضو جمعیت فدائیان اسلام، موجی از ناآرامی و مخالفت جامعه مذهبی ایران را در پی داشت و
 نامه‌ها و تلگراف‌های زیادی - که حاکی از تأیید عملکرد جمعیت فدائیان اسلام و درخواست آزادی قاتل
 کسروی بود- نگاشته شد

منبع از اسناد آرشیو معاونت اسناد ملی شماره ۱۱۶۰۰۴-۶۲۲۱۰



احمد کسروی در کنار یاران و خانواده



ما نیک آگاهیم که حیدر عمو اوغلی ها و علی مسیوها و شریف زاده ها و میرزاجهانگیرها که به آن جنبش برخاسته بودند ، از حال گرفتاری های ایران در میان همسایگان نیرومند و آزمند ، ناآگاه نمی بودند و در راه استقلال و آزادی این کشور به هر گونه جانفشانی آماده می بودند . آنان در یک جا اشتباه می کردند ، از گرفتاریها و آلودگی های توده ها ناآگاه می بودند و می پنداشتند اگر ریشه استبداد کنده شود و قانون اساسی به کار افتد ، توده مردم به راه پیشرفت می افتند ، در حالیکه درد اصلی ، جهل و ناآگاهی مردم بود .



این عکس در قوچان و زمانی گرفته شده است که کسروی از سوی وزارت دادگستری به ماموریت خراسان رفته بود. در دست راست کسروی شادروان کسرانی (شهردار قوچان) و دخترش فروغ و در دست چپ او افسران ژاندارمری دیده می شوند



"اگر در ایران تبلیغات کمونیستی بشود مسلمانان به عنوان آن که مسلمان می باشند، از گرویدن به آن خودداری نخواهند کرد. ولی با این عقاید درهمی که در مغزهای خود آکنده اند، اگر مبادی کمونیستی را هم فراگیرند، اینها را با آنها درهم آمیخته یک معجون مهوعی پدید خواهند آورد، چنان که همین رفتار را با مشروطه کردند. آن را گرفتند و به حال مهوعی انداختند.. تمسک به اسلام در کشاکش های سیاسی جز توهین به آن دین نیست و به هیچ نتیجه سودمندی از این راه امیدوار نتوان بود..."

احمد کسروی



شما هرچه نيك باشيد و بزرگ باشيد، و هرچه دلسوزی بمردم داريد و نيکی آنان خواهيد، تا هرکدام جدا می کوشيد و بهوس راه ديگری دنبال مي کنيد دشمن و بدخواه توده خود می باشيد.



مراسم خاکسپاری احمد کسروی و حدادپور



اجساد سلاخی شده احمد کسروی و منشی اش حدادپور که بوسیله گروه فدائیان اسلام در داخل کاخ دادگستری به قتل رسیدند

ای توده غافل، اندکی بیندیشید، این ملایان جز نگهداری دکان خود نمی‌خواهند اینان همان مردم رسوایی هستند که با هر چیز تازه‌ای که برای بیداری و هشیاری مردم مفید باشد مخالفت میکنند، با مشروطه مخالفت کردند، با مدرسه مخالفت کردند، اکنون هم که با ما که می‌خواهیم به یکباره دکان اینان را ببندیم به مخالفت آغازیده اند. افسوس ما در این است که اینان شما را وسیله اجرای نیت سو خود میکنند و خودشان را در پناه نادانیها و بی‌خردیهای شما نگاه میدارند به خود آئید، دوست و دشمن خود را بشناسید، بیایید نوشته‌های ما را بخوانید، ما دلیل‌های بسیاری توانیم آورد که این ملایان و مفتخوران درد دین ندارند و در بند شکم و دکان خود هستند.

قسمتی از دفاییات احمد کسروی (۱۳۲۴)



خانواده و دوستان کسروی از بیم بنیادگرایان مذهبی جنازه او را در نقطه ای دور افتاده از کوه‌های شمال شهر تهران دفن کردند.



آیت الله کاشانی با قاتل کسروی نواب صفوی

«وقتی نواب صفوی در جواب برای کسروی آیه‌ای از قرآن خواند، کسروی به او گفت: ای طلبه! ای بی سواد .. تو هنوز عربی را درست نمیدانی و آیه قرآن را غلط می‌خوانی پس معنای آن را هم درست نفهمیده‌ای . بهتر است اول بروی از معلمت عربی یاد بگیری، قرآن خواندن بیاموزی و معنی آن را بفهمی تا بعد بتوانی به کمک قرآن استدلال کنی!! تا دیگران حد اقل در سواد عربی تو تردید نکنند. نواب صفوی از شنیدن این کلمات سرخ شد و بلافاصله بی هیچ سخنی از اتاق بیرون رفت.»

ناصر پاکدامن، قتل کسروی